

حق زنان در دادرسی عادلانه

سید مهدی رستگاری^۱

چکیده

زنان نیمی از جامعه بشری را تشکیل می دهند و لیکن همواره به جهات خصوصیات ویژه جسمی و روحی نیازمند حمایت در تمامی جنبه ها از جمله مراحل مختلف دادرسی می باشند، دادرسی که به عنوان یکی از مسائل بنیادی برای حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به شمار می رود و آنان باید در پرتو تضمینات یک دادرسی منصفانه با استانداردهای لازم مورد حمایت قرار گیرند و قطعاً موانع تحقق این دادرسی و راهکارهای علمی و عملی برای برطرف کردن موانع آن با شناخت قوانین و نگاهی جهانی و نیز رویدادهای تبعیض آمیز و بررسی آن در حقوق ایران می تواند ما را در راستای نیل به هدف فوق یاری کند و در این نوشته با نگاهی کوتاه به این مقوله و موانع یک دادرسی عادلانه پیشنهادات کمیته منع تبعیض علیه زنان جهت نیل به هدف فوق بیان شده و با بررسی آن در نظام قضایی ایران سعی شده است خواننده مقاله دیدگاهی راهبردی به موضوع دادرسی عادلانه زنان داشته باشد.

کلید واژه ها: دادرسی عادلانه، سیستم قضایی، استانداردهای حقوق بین الملل، عدالت قضایی

۱. مقدمه

با هبوط حضرت آدم (ع) و همزمان با رشد علمی و مادی انسانها و نیل به پیشرفت های گوناگون، فطرت الهی انسان همواره به دنبال یکی از گمشده های معنوی خود بوده و هست و آن دستیابی به عدالت در همه امور می باشد و از جمله رسیدگی عادلانه به اختلافات و دعاوی تمام اقشار جامعه از آرمانهای انسانها می باشد و بخصوص محرومیت زنان در طول تاریخ توجه بیشتری را به خود معطوف داشته و قطعاً دادرسی مناسب و عادلانه در مورد آنها یکی از خواسته های این قشر عظیم جامعه بوده است. لیکن نگرش مردانه به اکثر مسائل و اینکه از لحاظ میزان آماری جرائم مختلف زنان در سطح بسیار نازلی نسبت به مردان قرار دارند شاید باعث شده تا دادرسی قوانین آن نیز به خصوص آنجا که اکثر مجریان قانون مرد هستند، چهره ای مردانه به خود بگیرد. ولی واقعیت این است که در هر صورت زنان نیز به خصوص در جامعه امروزی درگیر دستگاه قضایی و نیز پلیس شده اند و عقل و منطق حکم می کند تا جهت اجرای عدالت و با توجه به خصوصیات آنان سعی در توجه عادلانه به منظور تحقق عدالت کیفری در مورد آنان داشته باشیم. لذا با این مقدمه ضمن توضیح مختصری در مورد خلقت زن و تفاوت دو جنس مرد و زن وارد موضوع اصلی بحث می شویم.

۲. خلقت زن

^۱ - معاون قضایی رییس کل دادگستری استان اصفهان-کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی-پست الکترونیکی:

از حضرت امام جعفر صادق(ع) در روایتی در خصوص خلقت حضرت حوا از ایشان سؤال شده که می فرمایند: «خداوند آدم را از گل خلق کرد و آنگاه به ملائکه امر کرد که بر او سجده کنند سپس خواب را بر او افکند و خدا حوا را به وجود آورد وقتی آدم بیدار شد با او سخن گفت؛ حوا هم با زبان خودش جواب داد، آدم گفت تو که هستی، گفت من هم خلقتی مثل تو هستم که خدا مرا آفریده است.» (شیخ صدوق، ۱۳۱۴ه.ق، ج ۳، ص ۳۷۹، ح ۴۳۳۶)

در این سیر خلقت، زن و مرد طالب و علاقمند به هم قرار داده می شوند به طوری که این علاقه به جایی می رسد که هر یک از آنها سعادت و آسایش دیگری را می خواهد و از گذشت و فداکاری درباره دیگری لذت می برد و این همان چیزی است که قرآن کریم در سوره مبارکه روم آیه ۲۱ نقل می فرماید که: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

۳. تفاوت زن با مرد

حقایق علمی و تجربی و پیشرفت های علوم، تفاوت های زن و مرد را بیشتر روشن کرده است که این تفاوت ها تناسب است نه نقص و کمال، قانون خلقت خواسته است با این تفاوت ها تناسب بیش تری میان زن و مرد به وجود آورد که به طور خلاصه می توان گفت از لحاظ جسمی غیر از ظاهر بدن، مغز متوسط مرد از مغز متوسط زن بزرگتر است ولی با در نظر گرفتن نسبت مغز به مجموع بدن، مغز زن از مغز مرد بزرگتر است. و این تفاوت خلقت حکمتی دارد که در آیه شریفه ۱۳ از سوره حجرات به خوبی بیان شده است. در تبیین قسمت های مختلف آیه، معنی خلقت همه انسانها را از یک «مرد» و یک «زن» دلیلی بر تساوی همه انسانها مطرح کرده اند و سپس در شعوب و قبائل بودن مردم را راهی برای تفاوت اجتماعی دانسته اند. که به طور مفصل در کتب تفسیر قرآنی قابل پیگیری است؛ ولی متأسفانه تاریخ حکایت از عدم بر خورداری زنان از حرمت و کرامت شایسته و مناسب شأن در جوامع مختلف دارد.

کرامت و عزت زنان تا اندازه ای از بین رفته بود که در کلمات زن و ضعف و پستی نه تنها در نظر مردان بلکه در نظر خود زنان نیز مثل واژه های مترادف شده بود. البته به نظر می رسد با گسترش معنای تعارف از معنای اجتماعی به معنای اخلاقی گام مهمی در جهت بازگشت کرامت از دست رفته زنان برداشته شود.

۴. دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه یکی از مسائل بنیادی برای حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به شمار می رود، زیرا عدالت حق است و نباید بر خلاف آن عمل کرد. عدالت با مفهوم احترام به حقوق رابطه تنگاتنگی دارد، در حقیقت عدالت، رفتار مطابق قانون است. پس بی عدالتی رفتار مخالف قانون و نقص حقوق بشر است، در واقع دادرسی عادلانه، محاکمه شخص در پرتو قانون و با در نظر داشتن احترام به حقوق شهروندی و زمینه ای برای ترویج حاکمیت قانون است. این حقوق، توسط هنجارهای ملی و بین المللی، در قالب بعضی از اصول، نظام مند شده است.

اصول یاد شده از آغاز مرحله دادرسی تا صدور حکم قطعی دادگاه در پیوند با برائت و یا محکومیت شخص و حتی مرحله بعد از محاکمه مشخص است که به ترتیب عبارتند از:

-اصل قانونی بودن جرم و مجازات

-اصل شخصی بودن مسئولیت

-اصل تساوی افراد در برابر قانون

-برائت ذمه

-اصل گفتن اتهام به متهم

-اصل حق سکوت

-اصل عدم شکنجه

-اصل گرفتاری غیر قانونی

-اصل گرفتن وکیل مدافع

-اصل دسترسی به مترجم

-اصل قانونی بودن دادگاه ها

-اصل علنی بودن دادگاه ها

-استقلال قضایی

-تضمین عدم دادرسی و بازه آن

اصول فوق نتیجه پیشرفت تمدن بشری است و نادیده گرفتن آنها به منزله دور شدن از تمدن پیشرفته محسوب می شود.

5. حق زنان در دادرسی عادلانه

این یک واقعیت است که زنان نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می دهند، امروزه موضوع تحول حقوق زن، علاوه بر آنکه روند منطقی خود را طی می کند، در بیش تر کشورها مقررات حمایتی مشخصی نیز از آن به وجود آمده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به آن، توجه به حقوق زن را به خوبی نمایان می سازد و در حقوق داخلی نیز تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه و مساوی عموم در برابر قانون پیش بینی شده است، از جمله در اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت ایران اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند.

در مقاله حاضر، رویکرد فوق صرفاً بر مقوله حق بهره مندی زنان از تضمینات یک دادرسی منصفانه عادلانه متمرکز شده است که البته باید واجد استانداردهایی فرا ملی و جهان شمول باشد.

۶. برخی موانع زنان در دسترسی به عدالت در نظام دادرسی

دسترسی زنان به عدالت از جمله موضوعات پیچیده ای است که با عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی و نیز با ساختارهای موجود در هر اجتماع مرتبط است. زنان و دختران در جوامع مختلف ممکن است برای دسترسی به عدالت قضایی با موانع متفاوتی روبرو باشند که هر یک به نحوی جبران خسارات وارده بر زنان یا اجرای آن را در رابطه با ایشان محدود می کند. از جمله موانع عبارتند از:

۶-۱. چارچوب حقوقی تبعیض آمیز

قوانین ملی در همه موارد متضمن موازین کافی و اقناع کننده برای حمایت از زنان در مقابل نقض حقوق ایشان نیست. در این رابطه حق زنان برای دسترسی به عدالت ممکن است به موجب برخی قوانین و مقررات ماهوی یا شکلی نقص شود، لذا اصلاح قوانین و مقررات به نحوی که بیشترین حمایت از زنان در روند دادرسی های حقوقی و کیفری به عمل آید، مورد تأکید است.

۶-۲. موانع دادرسی و ساختاری

دسترسی به عدالت منوط به وجود ساختارهای کافی و اجرای مؤثر مقررات دادرسی است. دولت ها باید قوانین و مقررات را در نظام قضایی کارآمد و حساس به ملاحظات جنسیتی اجرا کنند. با این حال رویه جاری نشان می دهد که زنان در برخی کشورها با موانع ساختاری و دادرسی مختلفی مواجه هستند که از آن جمله می توان به عدم کفایت ساز و کارهای حمایتی و پشتیبانی حقوقی، تأمین امنیت برای شاهدان و قربانیان زن اشاره کرد.

۶-۳. موانع اجتماعی

در برخی جوامع مطالبه عدالت از سوی زنان با هنجارهای اجتماعی، فرهنگی، سنتی و مذهبی در تعارض قرار دارد. همچنین ممکن است خشونت مبتنی بر جنسیت به منزله یک مسئله خصوصی تلقی شود که باید در خانواده حل و فصل شود. در نتیجه زنان و دختران از اقامه دعوی و طرح شکایت خصوصاً در موارد خشونت خانگی منع می شوند و با اینکه زنان برای مطالبه حقوق خود فاقد اعتماد به نفس کافی هستند و در نتیجه از مبادرت بدان صرف نظر خواهند کرد و لذا عملکرد نظام قضایی رسمی به طور کامل کارآمد و مستقل و اطمینان بخش می تواند منجر به طرح شکایت زنان جهت احقاق و مطالبه حقوق باشد.

۶-۴. معضل اقتصادی

فقر و فقدان منابع مالی در بسیاری موارد مانع از طرح دعوی از سوی زنان می باشد. چرا که زنان برای رفت و آمد، هزینه های دادرسی و مراقبت از کودکان اغلب به دیگران وابسته هستند و همین امر دسترسی آنها به عدالت را محدود می کند.

۶-۵. معضل علمی

آمار بالای بی سوادی زنان خصوصاً در مناطق روستایی معضل دیگری است که مورد توجه می باشد. چرا که زنان در مواردی از حقوق خود و نحوه دسترسی و مطالبه آنها اطلاع و آگاهی ندارند.

۶-۶. معضل مضاعف گروه های خاص زنان

دسترسی به عدالت برای برخی گروه های ویژه زنان با موانع مضاعف روبرو است. برخی گروه های مزبور عبارتند از: زنان روستایی، زنان مهاجر، زنان بی سرپناه، زنان سالخورده، زنان مبتلا به بیماری های خاص مانند ایدز، زنان معلول، زنان متعلق به گروه های اقلیت مذهبی یا نژادی. و به طور کل زنانی که از آسیب پذیری بیشتری برخوردارند و همین امر دسترسی آنها به عدالت را با مشکل مواجه می کند.

۷. دادرسی عادلانه از منظر جهانی

کمیته منع تبعیض علیه زنان در جولای ۲۰۱۵ نظریه تفسیری ارائه کرده است که در شش بخش تنظیم شده است ولی موضوعات و پیشنهادات کلی پیرامون دسترسی به عدالت است. این کمیته سعی کرده است تحت لوای «دسترسی به عدالت» بسیاری از موضوعات و مسائل چالش برانگیز و مورد اختلاف میان دولت ها، خصوصاً کشورهای اسلامی که در متن کنوانسیون به آن پرداخته نشده است، در پرتو تفسیر موسع از حق دسترسی به عدالت مطرح و دولت ها را در قبال آنها ملتزم کند.

۷-۱. پیشنهادات کلی کمیته در مورد دسترسی زنان به عدالت

۷-۱-۱. پاسخ گویی و جبران خسارت از زنان قربانی در سیستم قضایی

ایجاد تمرکز در دادگاه ها و نهادهای شبه قضایی در شهرهای بزرگ و عدم دسترسی زنان به عدالت در مناطق روستایی سبب می شود که دسترسی آنان به عدالت مستلزم صرف هزینه و وقت زیاد شود، برخی از اهم عوامل مؤثری در تضمین تحقق دسترسی زنان به عدالت تاثیرگذار است عبارتند از:

(الف) عادلانه بودن: این عامل متضمن آن است که زنان این امکان و توانمندی را داشته باشند که در خصوص احقاق حقوق خود مبادرت به اقامه دعوی کنند.

(ب) دسترسی پذیری: این عامل مستلزم آن است که دادگاه ها و نهادهای شبه قضایی مرتبط در تمامی مناطق، اعم از شهری و روستایی ایجاد شود و از حق دادرسی عادلانه زنان حمایت کند.

(ج) جبران خسارت از قربانیان زن: سیستم قضایی بتواند حمایت موثر و کارآمد از زنان قربانی به عمل آورد و تا حد امکان زمینه جبران خسارت مقتضی از زنان را فراهم سازد.

(د) پاسخگو بودن دستگاه قضایی: تضمین اینکه دادگاه ها و مراجع قضایی و شبه قضایی منطبق با استانداردها و شرایط لازم برای تحقق دادرسی عادلانه باشند.

(ه) مشارکت زنان در تمامی مشاغل در سطوح قضایی و غیرقضایی در سیستم قضایی انجام شود.

و) در پرونده های مربوط به ارتکاب اشکال تبعیض مختلف خشونت علیه زنان، دادگاه باید از معاضدت قضایی کوتاهی نکنند و امکان مشاوره پزشکی و روانپزشکی برای قربانیان را فراهم آورند.

۷-۱-۲. قوانین و رویه های تبعیض آمیز

مطابق نظر کمیته در برخی کشورها، قوانین اساسی، عادی، مقررات و رویه های عملی و عرف مبنی بر کلیشه ها و هنجارهای جنسیتی سنتی است که منجر به اعمال تبعیض علیه زنان می شود از جمله، فسخ همه قوانین و مقرراتی که زنان را برای انجام کار یا اقدامی، مجبور به کسب اجازه از خانواده یا یکی از اعضای خانواده می کند.

۷-۱-۳. کلیشه های جنسیتی و جانبداری جنسیتی در سیستم قضایی و ضرورت ظرفیت سازی

مطابق نظر کمیته، کلیشه های جنسیتی و جانبداری جنسیتی در سیستم قضایی آثار و نتایج نامطلوبی در برخورداری زنان از حق دادرسی عادلانه دارد که باعث می شود جایگاه زنان در مراحل مختلف به عنوان خواهان، خوانده و شاهد تحت تأثیر قرار گیرد.

۷-۱-۴. آموزش و ارتقای آگاهی در مورد آثار کلیشه های جنسیتی مطابق گزارش کمیته

متون آموزشی در سطوح مختلف باید با اتخاذ رویکردهای جنسیتی در صدد ارتقای سطح آگاهی های عمومی در سطح جامعه مدنی، رسانه و فضای مجازی برآید. از جمله ارتقای سطح آگاهی زنان از حقوق خویش، اقدام در جهت ارتقای فرهنگ و فضای اجتماعی در راستای تحقق حق دادرسی عادلانه زنان است.

۷-۱-۵. معاضدت حقوقی و حمایت عمومی از زنان

سیستم قضایی بایستی تضمین کند که حمایت و معاضدت قضایی مقتضی از زنان به عمل آورد و باید به صورت رایگان و یا با حداقل هزینه در دسترس زنان باشد و در موارد ذیل نیز باید مسئله فوق مورد توجه قرار گیرد:

الف) قانون اساسی: در قوانین اساسی کشورها باید صراحتاً موضوع برابری جنسیتی و منع تبعیض در تمامی زمینه های عمومی و خصوصی و در تمامی ابعاد فردی، خانوادگی، ازدواج، حقوق ارث و غیره درج شود. دولت ها باید استانداردهای حقوق بین الملل بشر را در قوانین اساسی خود بگنجانند.

ب) قانون مدنی: بر طرف شدن هرگونه تبعیض بر مبنای جنسیت که مانع دسترسی به حقوق مدنی است.

ج) حقوق خانواده: نابرابری در خانواده در تمامی ابعاد و زمینه ها عمدتاً تحت عنوان مذهب، ایدئولوژی، سنت و فرهنگ برطرف شود و لازم است زوجین بدون هیچ گونه تبعیض از حق دسترسی به دادگاه در خصوص دعاوی خانوادگی برخوردار باشند.

د) قوانین کیفری: زنان چه به عنوان مرتکب جرم و چه به عنوان قربانی ارتکاب جرم باید از دسترسی به عدالت برخوردار باشند.

ه) ایجاد فرایندها و مکانیسم های حل اختلاف جایگزین: در برخی کشورها، مکانیسم ها و سیستم های اجباری و اختیاری از جمله دادرسی، صلح و مذاکره پیش بینی شده است تا بدون نیاز به مراجعه به سیستم های قضایی، زنان از حق دسترسی به عدالت برخوردار باشند.

۷-۲. آیا زنان به عدالت کیفری و قضایی در نظام قضایی ایران دسترسی دارند؟

حضرت علی (ع) می فرمایند: «عدالت قرارداد هر چیزی به جای خود است.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)

بنابراین باید دید هر قانونی نسبت به موضوع وصف عدالت را دارد یا خیر؟ و لذا اینکه به عدالت گاه مسامحتاً مساوات گفته می شود موجب بی عدالتی است. همانطور که ارسطو می گوید رفتار برابر با افراد نابرابر، عدالت نیست.

لذا عدالت کیفری یا قضایی ارتباط مستقیم با قانون دارد و این عدالت با شناخت شخصیت مجرم و آسیب های وارد بر جامعه به دست می آید و علاوه بر وجود قوانین عادلانه، نقش خود زنان و کلیه افراد جامعه در این امر نباید نادیده گرفته شود. در این مطلب مختصراً به کم و کیف وضعیت دسترسی زنان به عدالت قضایی و کیفری می پردازیم:

۷-۲-۱. زنان آسیب پذیر و پیشگیری از وقوع جرم

خطر بزه دیده شدن به طور مساوی میان افراد جامعه توزیع نشده است. براساس یافته های علم جرم شناسی بزهکاران بالقوه قربانیان خود را غالباً از میان افرادی انتخاب می کنند که ارتکاب جرم بر روی آنها دارای خطر و هزینه بالایی نباشد. در مورد زنان و دختران بهتر است، هزینه کیفری اعم از مجازات و احتمال دستگیر شدن را بالا برده تا مجرم، خود از ارتکاب جرم صرف نظر کند.

۷-۲-۲. مجازات بزهکار و جبران خسارت

چون مجنی علیه از قشر آسیب پذیر جامعه است، قانون گذار می بایست حمایت بیشتری صورت دهد که از جمله، محقق شدن مجازات مجرم است. از ایرادات مطرح موضوع دیه در صورت قتل زن به دست مرد و اخذ تفاضل دیه و سپس قصاص بود که به نوعی در ماده ۴۲۸ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۵ تعدیل شده است و این تفاضل از بیت المال قابل پرداخت است.

۷-۲-۳. زن به عنوان متهم

الف) اصل برائت؛ اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر برائت در موردش جاری است از طرفی حیثیت و آبروی زن مسئله حیاتی برای اوست و حفظ آن توسط مجریان قانون اهمیت ویژه ای دارد.

ب) بازجویی از زنان متهم؛ برابر با قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت امکان بازجویی باید توسط ضابطان زن با رعایت موازین شرعی انجام شود.

۷-۲-۴. زن به عنوان بزهکار

الف) اهلیت جزایی: داشتن مسئولیت کیفری، مولود داشتن اهلیت جزایی و تقصیر است. سه اصل مسئولیت کیفری، رسیدن به سن مسئولیت، مبتلا نبودن به جنون و سلب نشدن اراده در مورد زنان نیز وجود دارد.

ب) میزان مجازات: اصل برابری همه افراد در برابر قانون، نشان می دهد که اساساً جنسیت عاملی برای تفاوت در مجازات نیست، البته این مصداق اساساً در جرائم تعزیری صدق می کند ولی حدود اسلامی در قوانین ایران، برای زنان مجازات های خفیف تری در نظر گرفته شده است. مثلاً در زنا به عنف مجازات زن یکصدمه شلاق است ولی مجازات مرد اعدام است یا در باب ارتداد، مجازات حبس برای زن است ولی برای مرد مرگ است.

ج) اجرای مجازات: در اجرای مجازات بین زن و مرد تفاوت هایی وجود دارد مثلاً در شلاق، مرد ایستاده و زن نشسته اجرا می شود و یا در مورد رجم که مرد تا کمر در گودال دفن می شود و زن تا سینه.

با توضیحات فوق می توان گفت؛ سعی می شود در قوانین ایران نیز که منبث از حقوق اسلامی است برای زنان دسترسی به دادرسی عادلانه در نظر گرفته شود. ولی در مباحث مختلف از جمله مسائل خانوادگی، نفقه، جهیزیه، ارث و ... مشکلاتی است که با تحقیق علمی قابل انطباق با موازین بین المللی می باشد.

همچنین بازداشت و رعایت حقوق بشر زنان، از جمله موضوعات مرتبط با دسترسی زنان به عدالت است و یا سلامت زنان در جریان دادرسی ها باید مورد توجه قرار گیرد. یعنی حمایت از تمامیت جسمانی و روانی زنان باید مورد توجه قرار گیرد و مراجعه زنان برای دادرسی باعث طرح پیشنهادهای بی شرمانه به آنان از ناحیه مراجع رسیدگی کننده نشود.

۸. نتیجه گیری

فراتر از اینکه دسترسی به عدالت به عنوان یک حق بشری برای زنان مطرح است و در رویه بین الملل، دسترسی به عدالت به منزله مکانیسم تضمین حمایت از حقوق بشر مطرح شده است و حقوق بشر زنان اعم از حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی متضمن نظام هنجاری حمایت از زنان و دختران بوده و دسترسی به عدالت، زمینه ساز ایجاد و تکامل نظام ساختاری برای اجرای مؤثر هنجارهای حقوق بشری است و نهادهای مختلف بین المللی و ملی نیز سعی دارند که این عدالت اجرایی شود؛ ولیکن دادرسی عادلانه و یا عدالت قضایی، مسئله ای نیست که تنها با قوانین عادلانه تحقق یابد. گاه دلایلی مانند بی اطلاعی از حق و نحوه احقاق حق، حفظ آبرو، ناامیدی از نتیجه و یا ناامیدی از دستگاه قضایی به خاطر پروسه طولانی پرونده و مشکلات دیگر باعث می شود زنان از مطالبه عدالت باز بمانند. ولی آنچه که مهم است دادرسی منصفانه، واجد استانداردهایی فراملی و جهان شمول بوده و با این حال قلمرو و محدوده رعایت این استانداردها از وجهی نسبی و متفاوت در نظام های عدالت قضایی برخوردار است.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، حضرت علی(ع).

۳. جمعی از نویسندگان، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۴. معظم، یاسین حسنی، حقوق و تضمینات حاکم بر بازجویی متهم در حقوق ایران، ۱۳۹۱.
۵. قجری، علیرضا، محمد حسین، عدالت قضایی و جرائم پیرامونی، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۶۳، صفحه ۱۸.
- قضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین المللی، چاپ دوم، شهردانش، تهران، ۱۳۸۹.